

سفیران آمریکا در ایران

س، ج، بنجامین (S.G.W. Benjamin)

آقای «س، ج، بنجامین» نخستین نماینده‌ی سیاسی ایالات متحده آمریکا در ایران بود. او کاردار، سرکنسول و بنیانگذار سفارت آمریکا در ایران بشمار می‌رود. آقای بنجامین در سال ۱۲۶۱ شمسی مطابق با ۱۸۸۳ میلادی به تهران آمده و سفارت کشورش را در ایران تاسیس کرد. نخستین نماینده‌ی آمریکا در ایران ۲۱ سال در کشور ما اقامت داشته و مأموریت سیاسی برای کشور خویش انجام داده است. گفتنی است در این دوره دولت آمریکا روابط و مناسبات بسیار گرم با ایران نداشته است. عمده‌ترین کار نماینده‌ی سیاسی کشورش در ایران حمایت از میسیونرها و مبلغان مذهبی آمریکایی در ایران بوده است. در این دوره انگلستان و روسیه چون نقش فعال داشتند آمریکا منافع دیگری در ایران نداشت. برای آقای بنجامین اتفاقی در ایران افتاده که در مطبوعات بچاپ رسیده و نقل آن برای خوانندگان خالی از فایده نیست. بنجامین اولین سفیر آمریکا از دست نگهبانان حرم‌خانه شاه در ایران کتک خورد اگر یکی از زنان حرم متوجه نشده بود سفیر و دخترش کشته شده بودند. در گذشته‌های دور سفرایی که تعیین می‌شدند و به کشورهای جهان عزیمت می‌نمودند اکثر آنها از آداب و رسوم اهالی آن کشور باخبر نبودند و همین باعث می‌گردید که ناگهان روابط و مناسبات دو کشور دوست بهم خورده و سفرای یکدیگر احضار شوند از جمله اتفاقی که در این زمینه رخ داد، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بود. در آن زمان بنجامین باتفاق همسر و فرزندان خود از آمریکا به تهران آمدند این دیپلمات سعی کرد از روزهای نخست آداب و رسوم ایرانیان را فراگیرد چون بیم داشت که یکدفعه بر اثر بی‌مبالاتی روابط دو کشور ایران و آمریکا بهم بخورد. بر حسب تصادف همین طور هم شد و روزی که بنجامین و دخترش با درشکه به محل بیلاقی سفارت در شمیران می‌رفتند به قهوه‌خانه‌ای در بین راه می‌رسند که چند درشکه دیگر در آنجا ایستاده بودند هنگامی که درشکه سفیر به آنجا رسید ناگهان عده‌ای نظامی از زیر درختان بیرون می‌ریزند و به درشکه چی و جلو دار و سفیر و دخترش حمله ور می‌گردند جلو دار هر چه فریاد می‌زند این درشکه سفیر آمریکا است، گوش نظامیان به این حرف‌ها بدهکار نیست و آنها مشغول زدن می‌شوند. بنجامین متوجه می‌شود که سربازان از سربازان گارد سلطنتی هستند و حرم‌خانه شاه در اینجا توقف دارد. در چنین

مواقع آداب و رسوم چنین است که سفراء هم به چنین محوطه ای داخل نشوند. سفیر آمریکا بلافاصله دستور داد درشکه چی درشکه را برگرداند ولی با اینحال سربازان دست از کتک کاری برنداشتند. از قضا یکی از زنان حرمسرا متوجه قضیه می شود و مستخدم مخصوص را برای خلاصی و پایان دادن ماجرا می فرستد. او هنگامی می رسد که جلو دار و درشکه چی زرنگ، جان سفیر و دخترش را از دست سربازان رهانیده بودند. ماجرا در اینجا خاتمه نیافت. روز بعد یادداشتی از طرف سفیر به وزارت امور خارجه ارسال گردید. در این یادداشت آمده است که اگر چنانچه عذرخواهی نشود پرچم سفارت آمریکا پائین کشیده می شود و سفیر دستور تعطیلی سفارتخانه را خواهد داد. صبح روز سوم «صنیع الدوله» یکی از وزرای برجسته به محل سفارت می رود و تأثر خاطر شاهانه را به سفیر ابلاغ می نماید. بعد از آن جوابی در جواب سفارت می رسد. که متن آن تماماً بوده و منشی سفارت و درشکه چی و جلودار احضار می نمایند و در پیش چشمان آنان مسبین واقعه را شلاق می زنند. از این ماجرا به بعد ناصرالدین شاه محبت خاصی نسبت به سفیر آمریکا پیدا کرد و حتی دستور می ردهد ماهیانه مبلغ صد تومان به مدرسه دخترانه آمریکایی در تهران کمک شود. بدین نحو از حادثه ای که بنا بود روابط دو کشور بهم بخورد جلوگیری شده است.

هربرت باون (Herbert W. Bowen)

«هربرت باون» دومین نماینده ی سیاسی ایالات متحده آمریکا در ایران است نامبرده سمت وزیر مختاری را بر عهده داشت. ماموریت او از سال ۱۹۰۱ میلادی برابر با ۱۲۸۰ شمسی آغاز شد و کمتر از یک سال بطول انجامید. اما این که چرا ماموریت او کوتاه و محدود بوده است بر وزارت امور خارجه آن کشور دقیقاً کسی چیزی نمی داند. مطبوعات آن هنگام در این باره چیزی منتشر نساختند. همتای ایرانی او در آن هنگام اسحاق خان مفخم الدوله بوده است.

لئوید گریسکوم (Lloyd C. Griscom)

«گریسکوم» سومین دیپلمات و نماینده ی سیاسی آمریکا در ایران می باشد. او نیز مانند اسلاف خود سمت وزیر مختاری را بر عهده داشت. لئوید گریسکوم در سال ۱۹۰۱ میلادی ۱۲۸۰ شمسی وارد ایران شده نامبرده هنوز ماموریتش آغاز نشده بود که زنگ پایانش نواخته شد. در سال ۱۹۰۲ بود

که شخصی دیگر به جای او آمده گرسیکوم کمتر از شش ماه در این مقام انجام وظیفه نمود. آیا این که وی قدرت و توانش محدود بوده یا برای امری مهمتر به آمریکا فراخوانده شد چیزی که بتواند پاسخ سوالات باشد انتشار نیافت. همتای ایرانی او در آن اسحاق خان مخفم‌الدوله بوده است.

ریچموند پیرسون (Richmond Pearson)

«پیرسون» چهارمین نماینده‌ی سیاسی آمریکا بوده که برای آمدن به ایران ماموریت گرفت. او نیز سمت وزیر مختاری داشت. پیرسون در سال ۱۹۰۲ به این سمت منصوب گردید. و در سال ۱۹۰۷ از مقامش برکنار گردید. نامبرده حدود پنج سال به عنوان وزیر مختار آمریکا در ایران اقامت داشت. مطالب دیگری که گویای ویژگی شخصی او باشد در دست نیست. همتای ایرانی او در هنگام وزیر مختاریش در ایران مرتضی خان ممتازالملک بوده است.

جان جاکسن (John B. Jackson)

پنجمین نماینده‌ی سیاسی ایالات متحده آمریکا در ایران «جان جاکسن» بوده است. وی از سال ۱۹۰۷ به مقام وزیر مختاری آمریکا در کشورمان منصوب گردید. هنگامی که جان جاکسن این مقام را از وزارت امور خارجه کشورش دریافت کرد همتای ایرانی وی در آمریکا، مرتضی خان ممتازالملک بوده است. جاکسن قریب به دو سال در ایران مقام فوق‌الذکر را بر عهده داشت.

چارلز راسل (Charles W. Russell)

«چارلز راسل» سمت وزیر مختاری آمریکا را بر عهده داشت. او ششمین نماینده‌ی سیاسی پس از برقراری مناسبات دیپلماتیک با ایران است. ماموریت راسل از سال ۱۹۰۹ آغاز و در سال ۱۹۱۴ خاتمه یافت. وی قریب به شش سال در سمت خود باقی ماند. اما این که او در مدت شش سال چه اندازه موفقیت به دست آورد، معلوم نیست؟ و یا این که علت تغییر او به چه دلیل بوده است؟ در کتاب‌ها و مطبوعات چیزی به دست نیامده است. آنچه که مسلم است شرایط سیاسی داخلی آمریکا موجب تغییر او شده است. ولی باید اذعان داشت او فردی موفق و کارآمد بود که وزارت امور خارجه این کشور به مدت شش سال او را در ایران نگاه داشته است.

جان کالدول (John L. Caldwell)

«جان کالدول» مانند اسلاف خویش سمت وزیر مختاری کشورش را در ایران بر عهده داشت. او در سال ۱۹۱۴ میلادی به مقام فوق دست یازید و تا سال ۱۹۲۱ در سمت وزیر مختاری باقی ماند. بعبارت دیگر کالدول حدود هفت سال پست مزبور را در اختیار داشت. جان کالدول هفتمین نماینده‌ی سیاسی آمریکا در ایران می‌باشد. گفتنی است همتای ایرانی او در آمریکا عبدالعلی خان صدری صدیق السلطنه بوده است.

جوزف سول کورنفلد (Joseph Saul Kornfeld)

«جوزف سول کورنفلد» مانند نمایندگان سیاسی سابق سمت وزیر مختاری را در ایران دارا بوده است. نامبرده از سال ۱۳۰۰ شمسی ۱۹۲۱ میلادی جهت انجام وظیفه برای دولت مطبوع خویش به تهران آمد. ماموریت وی تا سال ۱۹۲۵ بطول انجامید. ایشان حدود پنج سال در این سمت باقی مانده است.

هوفمان فیلیپ (Hoffman Phillip)

«هوفمان فیلیپ» در سال ۱۹۲۵ میلادی از طرف وزارت امور خارجه آمریکا به عنوان وزیر مختار به تهران آمده است. ماموریت وی در کشورمان تا سال ۱۹۲۹ میلادی بطول انجامید. هنگامی که فیلیپ سرگرم انجام وظیفه در ایران بود. همتای ایرانی وی در واشینگتن باقر کاظمی بوده است کاظمی سمت کرداری بر عهده داشته است. درباره‌ی خصوصیات فردی فیلیپ در کتاب‌ها و مطبوعات چیزی به دست نیامده است.

چارلز هارت (Charles C. Hart)

«چارلز هارت» هم مانند اسلاف خود سمت وزیر مختاری را دارا بوده است. نامبرده در سال ۱۹۲۹ میلادی عازم تهران گردید. ماموریت هارت در سال ۱۹۳۳ خاتمه یافت. همتای ایرانی وی هنگام وزیر مختاری آقایان داوود مفتاح، یدالله عضدی و غفار جلال علاء بوده‌اند در مورد خصوصیات و ویژگی شخصی او مطلبی به دست نیامده است. گفتنی است وی دهمین نماینده‌ی سیاسی ایالات متحده آمریکا محسوب می‌گردد.

ویلیام هورنی بروک (W.M H. Hornibrook)

آقای «بروک» از سوی وزارت امور خارجه آمریکا به سمت وزیر مختار در ایران منصوب گردید. ماموریت او از سال ۱۹۳۳ آغاز گردید و در سال ۱۹۴۰ خاتمه یافت. «ویلیام هورنی بروک» حدود هفت سال در این پست برای دولت مطبوع خویش انجام وظیفه کرده است. هنگامی که او در تهران اقامت داشت، همتای ایرانی وی در واشینگتن آقایان غفار جلال علاء، دکتر علی اکبر دفتری و محمد شایسته بودند. گفتنی است در این مقطع از تاریخ و سال و نیم روابط و مناسبات سیاسی ایران و آمریکا به خاطر آنچه که «تخلف از مقررات راندگی» توسط غفار جلال علاء نامیده شده، قطع بوده است.

لویز دریفوس (Louis Dryfus. Jr.)

«لویز دریفوس» آخرین نماینده‌ی سیاسی ایالات متحده آمریکا است که با سمت وزیر مختاری به تهران اعزام گردید. وزیر خارجه این کشور «لویز دریفوس» را در سال ۱۹۴۰ به مقام وزیر مختاری در کشورمان منصوب کرد. ماموریت او تا سال ۱۹۴۴ ادامه داشت. پس از وی سمت وزیر مختاری به درجه سفیری ارتقاء یافت. هنگامی که دریفوس در تهران مامور بود همتای ایرانی او در واشینگتن محمد شایسته بوده است که در زمان نامبرده وزیر مختاری به درجه سفیری ارتقاء یافت.

لیلاند موریس (Leland B. Morris)

«لیلاند موریس» در سال ۱۹۴۴ میلادی از سوی وزارت خارجه کشورش به عنوان نخستین سفیر آمریکا به تهران اعزام شده است. قبل از او همه‌ی نمایندگان سیاسی این کشور سمت وزیر مختاری داشته‌اند. وی تنها یک سال در تهران باقی مانده است سپس جای خود را به «والاس موری» داده است. هنگام ماموریت موریس در تهران، همتای ایرانی او در آمریکا محمد شایسته بوده است که در سال ۱۳۲۲ لباس سفیری را بر تن کرده است. آگاهان و ناظران سیاسی عقیده دارند برخی از اوقات تغییر و تعویض نمایندگان سیاسی آمریکا در تهران ارتباط تنگاتنگ با شرایط سیاسی داخلی آن کشور داشته است. بدین معنی که اگر قدرت را دموکرات به دست گرفتند احساس می‌نمایند که ملزم می‌باشند نیروهایی برگزینند که با ساختار فکری و آرم دموکرات که مشی آرام مانند حمار است

سازگار باشد. اما اگر گردونه قدرت به دست جمهوریخواه افتاد نیروهایی را می‌گمارند که خط و مشی آنان که شیوهی باز شکاری است هماهنگ و منطبق باشد البته این نکته شایان ذکر است که این اندیشه اختصاص به امور ایران ندارد بلکه آمریکائیان برای همه‌ی نقاط جهان همین طور می‌اندیشند.

والاس موری (Wallace Murray)

«والاس موری» چهاردهمین نماینده‌ی سیاسی آمریکا در ایران بوده است. او در ۱۳۲۴ شمسی ۱۹۴۵ میلادی به مقام سفیری منصوب شد. مدت ماموریت او هم مانند بعضی از همکارانش در ایران از نظر زمانی محدود و کوتاه بوده است. همتای ایرانی او در واشینگتن آقای حسنی علاء بوده است.

جرج آلن (George V. Allen)

«جرج آلن» پس از آنکه ماموریت کوتاه والاس موری خاتمه یافت «جرج آلن» به عنوان سفیر آمریکا در تهران انتخاب گردید. او در سال ۱۹۴۶ میلادی به سمت فوق برگزیده شده ماموریت او نیز تقریباً کوتاه بوده است. جرج آلن دو سال سفیر آمریکا در ایران بوده و همتای ایرانی وی در واشینگتن حسین علاء بوده است.

جان وایلی (John C. Wiley)

«جان وایلی» در سال ۱۹۴۸ میلادی ۱۳۲۹ شمسی به سمت سفیر کشورش در ایران منصوب گردید. ماموریت او تا سال ۱۹۵۰ میلادی بطول انجامید. همتای ایرانی «جان وایلی» در واشینگتن آقایان حسین علاء و نصرالله انتظام بوده‌اند.

هنری گریدی (Henry F. Grady)

«هنری گریدی» در ۷ تیر ۱۳۲۹ شمسی ۱۹۵۰ میلادی از سوی وزارت خارجه کشورش به عنوان سفیر و نماینده‌ی سیاسی آمریکا در تهران منصوب گردید. وی تنها یک سال در تهران به عنوان سفیر

انجام وظیفه نمود. ۳۰ شهریور ۱۳۳۰ «هنری گریدی» سفیر آمریکا در ایران استعفا داده است، این استعفا بلافاصله مورد قبول رئیس جمهور کشورش قرار گرفت و «هندرسون» سفیر نیرومند و نیرنگ باز به جای وی به تهران آمد. هنری گریدی در ۲۴ اردیبهشت، همزمان با ملی شدن صنعت نفت ملی مقاله‌ای ملی شدن نفت ایران را شکستی برای کشورهای غربی خواند سفیر یکساله آمریکا در ایران ۲۵ فروردین ۱۳۳۰ گفت: دولت آمریکا امیدوار است که مسأله‌ی نفت با رضایت مردم ایران و به نفع دنیای آزاد که ایران نیز جزئی از آنست حل شود. اما این که چرا وی قبل از اتمام ماموریت استعفا داده و مقامات آمریکا هم با عجله استعفای او را پذیرفتند اطلاعاتی انتشار نیافته است. هنگامی که گریدی در تهران اقامت داشت همتای ایرانی او در واشنگتن انتظام بوده است.

لوی هندرسون (Loy W. Henderson)

«لوی هندرسون» در سال ۱۳۳۰ شمسی و ۱۹۵۱ میلادی به عنوان سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران انتخاب گردید. ماموریت او ظاهراً چهار سال بطول انجامید بدین معنی که نامبرده در سال ۱۳۳۴ شمسی ۱۹۵۵ میلادی ماموریتش خاتمه یافته و تهران را ترک کرد: هنگامی که هندرسون در تهران انجام وظیفه می نمود همتای ایرانی وی در واشینگتن آقایان نصرالله انتظام و اللهیار صالح بودند. هنگامی که هندرسون در تهران بود دکتر محمد مصدق زمام امور ایران را در دست داشت. آقای مصدق با سفیر آمریکا ملاقات و گفتگو کرد. در این ملاقات درخواست خود را مبنی بر خروج مستشاران آن کشور از ایران به وی ارائه داد. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوقوع پیوست هندرسون هنگام ماموریتش در ایران ۱۲ مرداد ۱۳۳۲ به واشینگتن سفر کرد و در ۲۷ مرداد همان سال بازگشت و با دکتر مصدق ملاقات نمود. مورخان و آگاهان سیاسی هندرسون را از سفرای نیرومند آمریکا در ایران بحساب می آورند. بنا به نوشته مطبوعات هندرسون ملاقات‌های مکرر و زیادی با دست اندرکاران حکومت ایران داشته است. این دیدار و گفتگوها گویای نفوذ وی در سیاست ایران و تاثیر گذاری بر آن بشمار می رود. او در ۴ خرداد پس از بازگشت از پاکستان و ملاقات با وزیر خارجه آمریکا با دکتر مصدق دیدار کرد. سفیر آمریکا در ۱۵ فروردین ۳۲ با مصدق و در ۲۲ فروردین ۳۲ با حسین علاء وزیر دربار ملاقات کرد. او در ۱۱ مرداد ۳۳ با دکتر علی امینی وزیر دارایی ملاقات کرد. آقای هندرسون در ۱۵ آذر ۱۳۴۰ یک قطعه نشان همایون از دست اردشیر زاهدی سفیر ایران در آمریکا به

نماینده‌گی از سوی شاه دریافت کرد. گفتنی است این نشان به کسی داده شد که در گذشته یعنی هنگام کودتای ۲۸ مرداد علیه مصدق در تهران، سفیر آمریکا بوده است. او در اول اسفند ۱۳۳۱ در تهران پیشنهاد جدیدی به نام (طرح مشترک دولتی آمریکا و انگلیس) تسلیم نخست وزیر کرد. در این پیشنهاد اصل ملی شدن صنعت نفت به رسمیت شناخته شده بود و اداره صنعت نفت تحت کنترل دولت ایران قرار گرفت. ولی مداخله کارشناسان خارجی، فروش و تعیین قیمت نفت بر خلاف اصل نه ماده‌ای بوده است. یکی از اموری که سبب رفتن وی از تهران بشمار می‌رود پیشنهاد قبول معاونت وزارت خارجه آمریکا از سوی آن وزارتخانه بوده است.

سلدن چی پین (Selden Chapin)

«سلدن چی پین» در سال ۱۹۵۵ وارد تهران گردید. او هفتمین سفیر آمریکا در ایران بوده است. زیرا دولت آمریکا در سال ۱۹۴۴ وزیر مختاری را ارتقاء داده و به سفیری تبدیل نمود. از آن تاریخ ماموران وزارت خارجه آمریکا با سمت سفیری وارد تهران می‌شدند. «چی پین» پس از ورود به تهران به دلیل تقابلی که بین سیاست آمریکا و انگلیس وجود داشت، ویلیام «رانتری» وزیر مختار و مستشار سفارت را تغییر و «جرج لويس جونز» معاون سفارت آمریکا در قاهره را به جای وی منصوب نمود. همین سفیر تغییرات افزونتری در رده‌های پایین تر سفارت به خاطر موضوع فوق به وجود آورد. سلدن چی پین حدود سه سال در این پست باقی ماند. هنگامی که او در تهران برای دولت ایالات متحده خدمت می‌کرد همتای او در واشینگتن دکتر علی امینی بود که هم برای دولت ایران و هم برای نخست وزیری خود انجام وظیفه می‌کرد.

ادوارد ویلز (Edward T. Wailes)

«ادوارد ویلز» در سال ۱۹۵۸ به سمت سفیر آمریکا در ایران انتخاب گردید. ماموریت او تا سال ۱۹۶۱ ادامه داشت. همتای ایرانی او در واشینگتن علیقلی اردلان و اردشیر زاهدی بودند.

جولیوس هولمز (Julius C. Holmes)

«جولیوس هولمز» در ۲۷ خرداد ۱۳۴۰ وارد تهران شد. وی مدت چهار سال در تهران اقامت

داشت. برخی از خیرها حاکیست که او در ۱۲ فروردین ۱۳۳۴ به عنوان سفیر آمریکا در ایران از سوی وزارت خارجه آن کشور منصوب گردید. اما حکم مزبور به این دلیل که پزشکان استراحت را برای وی الزامی دانسته‌اند لغو شد. «جولیوس هولمز» ۶۲ سال داشت که به عنوان سفیر آمریکا در ایران انتخاب گردید. او از اعضای موفق کادر سیاسی وزارت خارجه آمریکا بشمار می‌رفت. هولمز مدتی در بخارست پایتخت رومانی هم به عنوان سفیر کشورش اعزام گردید. وی چهار سال برای دولت مطبوعش در رومانی انجام وظیفه نموده است. هنگامی که «هولمز» سفیر آمریکا در ایران بوده است کادر سفارت این کشور از دیپلمات‌های مخرب و آشنا به امور ایران تشکیل شده بود. جولیوس هولمز به دلیل عملکرد مطلوبش توانست از وزارت خارجه کشورش عنوان مقدم‌السفیرایی را نیز دریافت نماید.

آرمین هنری می‌یر (Armin Henry Meyer)

«آرمین هنری می‌یر» در سال ۱۹۶۵ میلادی به عنوان سفیر آمریکا در تهران منصوب گردید. وی تا سال ۱۹۷۱ در این پست باقی ماند. هنگامی که او سفیر آمریکا در ایران بوده است نقض حقوق بشر از سوی شاه به اوج خود رسید. مبارزان و انقلابیون مسلمان بدترین شرایط را در زندان‌ها داشته‌اند. اما دیپلماتها و سفیران مدعی حقوق بشر کمترین اعتراض را از سوی دولت مطبوع خویش ابراز ننموده‌اند. همتایان ایرانی او در واشینگتن آقایان خسرو خسروانی، هوشنگ انصاری و امیر اصلان افشار بوده‌اند.

دکتر مک آرتور دوم (Dr. Mac Arthur II)

«مک آرتور» ۱۶ مهر ۱۳۵۰ به عنوان سفیر جدید آمریکا در ایران منصوب گردید. او قبل از آنکه عازم تهران شود سفیر آمریکا در اتریش بوده است. این انتصاب نشان می‌دهد که دولت آمریکا توجه خاصی نسبت توسعه روابط بین ایران و آمریکا داشته است. او فقط مدت یکسال در تهران باقی مانده است. همتای ایرانی او در واشینگتن امیر اصلان افشار بوده است.

جوزف سیمپسون فارلند (Joseph Simpson Farland)

«جوزف سیمپسون فارلند» در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۱ به عنوان سفیر آمریکا در تهران انتخاب گردید. او مدتی مامور ویژه سازمان (اف - بی - آی) بوده است. او همچنین به عنوان افسر رابط نیروی دریایی، نیروهای نظامی دولت آمریکا در کره خدمت کرد. مضافاً بر این نامبرده مدتی عهده دار سفارت در جمهوری دو مینیکن و پاناما بوده است. فارلند در سال ۱۹۶۹ در پاکستان برای دولت آمریکا انجام وظیفه می‌کرد. وی در مدت اقامت خود در تهران در اول آذر ۱۳۵۱ با رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا با شاه دیدار و ملاقات کردند. همتای ایرانی او در واشینگتن هنگام ماموریتش در تهران امیر اصلان افشار بوده است.

ریچارد هلمز (Richard Helms)

«ریچارد هلمز» در سال ۱۹۷۳ میلادی ۱۳۵۲ شمسی وارد تهران گردید. وی طی دیداری با شاه استوارنامه خود را به او تقدیم داشت. ریچارد هلمز جانشین «جوزف سیمپسون فارلند» سفیری است که بیش از هفت ماه در این سمت باقی نمانده است. «ریچارد نیکسون» رئیس جمهور وقت آمریکا «هلمز» را که رئیس سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا) بوده است را به سفیری در تهران برگزید. هلمز از سال ۱۹۶۶ رئیس سازمان یاد شده بود. ولی در حقیقت همکاری خود را با این سازمان از سال ۱۹۴۷ آغاز کرد. وی در سال ۱۹۳۵ و پس از پایان تحصیلات به سمت خبرنگار «یونایتد پرس» در اروپا انتخاب گردید. او مدتی با روزنامه «آیندینا پولیس تایمز» همکاری کرد تا سرانجام در سال ۱۹۴۷ به سازمان مذکور پیوست. ریچارد هلمز بدنبال پایان یافتن ماموریتش در ۵ دی ۱۳۵۵ تهران را ترک کرد و جای خود را به ویلیام هیلی سولیوان داد. هنگامی که هلمز سرگرم انجام مأموریت در تهران بوده همتای ایرانی او در واشنگتن اردشیر زاهدی بوده است.

ویلیام هیلی سولیوان (William Healy Sullivan)

«ویلیام سولیوان» در خرداد ۱۳۵۶ شمسی ۱۹۷۷ میلادی وارد تهران گردید و به عنوان سفیر آمریکا فعالیت خوش را آغاز کرد. ۲۴ خرداد بود که وی استوار نامه خود را تسلیم شاه کرد. ویلیام هیلی سولیوان پس از یک هفته، در اتاق بازرگانی ایران سخنرانی نمود. وی در سخنرانی خود گفت:

آمریکا علاقمند است ایران را مستقل و از لحاظ اقتصادی نیرومند و در درون مرزهای خود امن ببیند. سولیوان آخرین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران بوده است. شهرت سولیوان به خاطر مأموریت دو ساله و جنجالی اش در ایران می باشد. ویلیام هیلی سولیوان در جنگ جهانی دوم وارد خدمت، در نیروی دریایی آمریکا شد و با درجه افسری در یک رزمنا و آمریکایی در جنگهای خاور دور شرکت کرد. پس از پایان جنگ جهانی دوم سولیوان وارد وزارت امور خارجه آمریکا گردید. او در جریان جنگ کره به عنوان مشاور سیاسی ژنرال مک آرتور در دفتر او خدمت می کرد. سولیوان سپس از مأموریت های مختلف در خاور دور به سمت سفیر آمریکا در لائوس و سپس فیلیپین منسوب شد. او در جریان این مأموریت ها از مشاوران نزدیک کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا در مذاکرات صلح ویتنام بود. همانطور که گفته شد آخرین مأموریت سیاسی سولیوان احراز پست سفارت آمریکا در ایران بود که این مأموریت مصادف با انقلاب اسلامی ملت ایران گردید و به استعفای جنجالی وی از خدمت سی و چند ساله اش در وزارت امور خارجه آمریکا منجر گردید. سولیوان کتابی را تحت عنوان «مأموریت در ایران» منتشر کرده که به فارسی نیز ترجمه شده است.

بروس لینگس

پس از آنکه مأموریت آخرین سفیر آمریکا یعنی ویلیام سولیوان خاتمه یافت. جای او را کار داری از آن کشور گرفت. ۲۸ خرداد ۱۳۵۸ وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد. آقای «ناس» کاردار سفارت آمریکا در تهران به کشور فرا خوانده شد و به جای او «بروس لینگس» به عنوان کاردار موقت تعیین و به تهران اعزام شده است. بنابراین «ناس» بین «سولیوان» و «بروس لینگس» حائل بوده است. اما چون او کاردار موقت بوده نامش در کتاب ها کمتر به چشم می خورد. در همین حال آمریکا اظهار امیدواری نمود تا سوء تفاهم در روابط ایران و آمریکا از بین رفته و سفیر جدید آمریکا آقای «والتر کاتلر» به تهران محل مأموریت خود عزیمت کند. این مطلب در اوگل خرداد ۱۳۵۸ عنوان گردید. ۱۶ خرداد ۱۳۵۸ دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران اعلام داشت. دولت ایران از پذیرش «والتر کاتلر» سفیر پیشنهادی آمریکا در ایران خود دای نمود. او افزود: اگر آمریکا می خواهد روابط و مناسباتش با جمهوری اسلامی بهبود یابد سفیری بفرستد که دارای سوابقی مناسب باشد. زیرا «کاتلر» دارای سوابق مداخله جویانه در امور زئیر بوده است. در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ روابط و

مناسبات ایران و آمریکا از سوی دولت واشنگتن قطع شده است. این امر با استقبال گرم امام خمینی (ره) روبرو گردید.

«والسلام»

منابع

- مجله خواندنی‌ها.
- تاریخ روابط خارجی ایران، تالیف عبدالرضا هوشنگ مهدوی.
- روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تالیف باقر عاقلی دو جلد، ناشر نشر گفتار.
- تاریخ سیاست خارجی ایران.
- رجال وزارت خارجه در عهد ناصری و مظفیری، از نوشته‌های میرزا مهدی خان ممتحن الدوله و میرزا هاشم خان، ناشر شرکت انتشارات اساطیر در دو جلد.
- فرهنگ علوم سیاسی، علی آقا بخشی، ناشر نشر تندر چاپ ۱۳۶۳.
- تاریخ معاصر ایران تالیف دکتر سید جلال‌الدین مدنی ناشر دفتر انتشارات اسلامی.
- مأموریت در ایران: تالیف ویلیام سولیوان، مترجم محمود مشرفی، ناشر انتشارات هفته.